

فرزاد امیرانی ، مترجم و مولف کتابهای موسیقی فلامنکو در ایران :



صفحه چهارم

انتشار کتابهای پیشرفته فلامنکو بصورت زیراکس اقتصادی تر و عاقلانه تر است!

آشنایی با نوازندگان برتر جوان
فلامنکو :

امین رفیعی

صفحه هفتم

روی خط حامل :

جشنواره ای که باطل
شد!

صفحه پنجم

در این شماره میخوانید:

- نت اول..... ماه
- نیم نگاه.....فلامنکو مرز ندارد!
- گفتگوفرزاد امیرانی
- آشنایی با بزرگان موسیقی فلامنکو در جهان.... خوان کارمونا
- آشنایی با نوازندگان برتر جوان در ایران.....(امین رفیعی)
- در جراید دنیا..... گفتگو با ال دی میولا
- روی خط حامل.....جشنواره ای که باطل شد!
- فراخوان مشارکت

مطالب مندرج در این ماهنامه لزوما دیدگاه تمامی اعضای ان نمیباشد

ماهنامه ایران فلامنکو

اولین ماهنامه تخصصی هنر

فلامنکو در ایران

مدیر مسئول :

فرشاد عابدینی سپهر

همکاران این شماره :حسین

بیضاوی، مهدی صارمی ،

مینا فتحعلی خانی ، دانا

رئیزی ،شهرز دادفر ،

علی مقدم ،حسین لحمی و

امیر مفاخر

نت اول:

ماه!

فرشاد عابدینی سپهر

ماه می تابد ، غمگین میشود ، باز میشود و باز میخندد و میتابد ، چه زمینی میشود و وقتی به ماه مینگری ، کوچک و زمینی ...زمینی

زیر گذر مترو ، روی تابلوی تبلیغاتی روبروی صندلی بزرگ نوشته شده است : اجرای نت دو ممنوع ! چه زمینی ، چه اندیشه ترسناکی ، آیا شما برنمیتابید ؟ چون تابیدن پیله های یک کرم برای پروانه شدن ! چه اندوهناک ، چه ترسناک ... شب است و خیابان نیمه روشن ، عابری در گذر کنار بلوکهای سیمانی خیابان تلو ، تلو میخورد و میروود ماشینها و موتور سواران بادشان را به صورت او میکوبند و او با هر صدای بوق سری برمیگرداند و پشت سرش را به امید یک تاکسی بر میگردد ، او از دور پر اهت است اما او میاندیشد که به تنهایی این خیابان را بپیماید هر چند دیگر رمقی برایش نمانده که تنها برود و فتح کند ، او با اندیشه اش تنهاست ، او زمینی است ، نه ماه را تاکنون دیده است نه بویش کرده است . بوی تند ماه ... بوی عرق نعنای است!

زیر گذر تپه مارلیک ... اینجا حداقل بوی سبزیگی میدهد ، بوی دوباره شدن ، بوی بچگی ، بوی منچ و هفت سنگ و توپ پلاستیکی ... اما اینجا ماه دور است پشت تپه پنهانش کرده اند تا بر سر خرافه و خاطرات گذشته گمراهان کنند ، خاطراتی زیبا که ماه هم داستانش را میداند.

بالای تپه ، میگویند تنهایی است و جاودانگی ، در لا بلای درختانی که سایه هایشان از شب هم سیاه تر شده است و ماه میتابد از بالا ، اینجا فقط جاودانگی است و تنهایی ، بی ریا و آرام ، اینجا شما بر ماه میتابید و ماه نیز اینچنین ... بادها ابر میاورند که ببارند و سیل شود شاید بتواند شومی را ارمغان آورد و تنهایی را ! راستی باد نمیدانست که اینجا از اول فقط تنهایی می زیست و نمیدانست ابر ، که سیل تا بالای تپه توان پیشرفت ندارد ، مگر تا کنون سیلی کوهی را فتح کرده است ؟

هر چه باد و ابر سعی کرد که باطل کند و ویران ، عشق قبول شد و اباد کرد ...

ابر هم هر چند از زمین بالا بود اما زمینی می اندیشید ، و گویی که کاری جز جلوی ماه را گرفتن نداشت .

اما ، آنچه در اینجا زیاد است ماه است ، آنچه همه والا میدارند و ارج میدهند و مینوازند اجرای نت ها است ، نت دو هم آزاد است ! هم آزاد است هم بلند بلند ان را میخوانند و مینوازند . دیگر اینجا کسی نمیخواهد تنهایی جاده ای را فتح کند ، همه با هم می آیند و میروند برای فتح قله بی نهایت عشق و دیگر نمیشود ماه را پشت تپه پنهان کرد ، همه شهر دیگر ماه را یا دیده اند یا تعریفش را از دوستی شنیده اند ، اینجا دیگر بوی ماندگی دیروز را نمی دهد ، بوی ته سیگار نمیدهد ، بوی نا نمیدهد ، بوی عرق نعنای میدهد !

آشنایی با اساتید فلامنکو در جهان

خوان کارمونا



خوان کارمونا گیتاریست شهیر فرانسوی در سال 1963 در شهر لیون فرانسه متولد شد، پدر و مادر وی متولد شهر مالاگا در جنوب اسپانیا بودند، پدر او یک آهنگر بود که برای کار به فرانسه مهاجرت کرد، خوان کارمونا ده سال داشت که پدرش یک روز یک گیتار به خانه آورد و در همان زمان بود که خوان به گیتار و موسیقی فلامنکو علاقمند شد، خوان کارمونا به کنسرواتوار پاریس رفت و در سن 26 سالگی از کنسرواتوار پاریس فارغ التحصیل شد و بعد به شهر خرز در جنوب اسپانیا مهاجرت کرد و مدت هشت سال در آن شهر اقامت کرد.

در این مدت با خوانندگان بسیاری همچون : **Agujetas, Duquende, Terremoto Hijo, Rubichi and Antonio Malena; bailaors Joaquín Grilo, Ana Padilla, Angelita** همکاری کرد وی در سال 1996 با همکاری نوازندگانی همچون : **ghabile Moraíto, Rubem Dantas, Niño de Pura, Manuel Soler ,Tino di Geraldo** با نام موسیقی شیرین ارانه کرد در همان سال به زادگاهش فرانسه بازگشت و این بازگشت با استقبال بسیار مردم و علاقمندان فلامنکو همراه شد و کمپانی های زیادی از او تقاضای همکاری کردند و یکی از جالبترین این همکاری ها اجرای او با خواننده کشور ازبکستان خاتم ماتلובה بود سبک خاتم ماتلובה خواندن آهنگهای ایرانی و هندی بود و این اثر با استقبال بسیار زیادی روبرو گشت. خوان کارمونا در کشورهای بسیاری چون امریکا، سوئیس، بریتانیا، پرتغال و... این کنسرت زیبا را اجرا کرد وی در سالهای 97 تا 99 مشغول همکاری با تلویزیون فرانسه بود و در سالهای اخیر بیشتر فعالیتش برای ساخت قطعه ای برای گیتار و ارکستر متمرکز شده است. پاکو د لوسیا نوازنده نامدار موسیقی فلامنکو جهان همواره از خوان کارمونا به نیکی یاد میکند و از او تمجید میکند. گفته میشود اثر سمفونیک ایشان در سال 2004 اجرا و امده میشود. خوان کارمونا امسال کاندید گرمی، بهترین البوم فلامنکو شده است

بسیاری بر این عقده اند که موسیقی فلامنکو در دهه های اخیر روند نوبی را آغاز کرده است و برخی برای این روند از کلمه مدرن استفاده میکنند، نکته ای چند در این مقوله مستتر است : کلمه مدرن یک کلمه نسبی و مربوط به تمام ادوار موسیقی است همانطور که به موسیقی رنسانس هم در زمان خود موسیقی مدرن نامیده میشد اما امروز کسی موسیقی رنسانس را مدرن نمیداند، نکته دیگر درباره سئوالی است که گاهی از جانب برخی دوستان موسیقی فلامنکو مطرح میشود و در واقع قائل شدن یک نوع مرز بندی بین موسیقی فلامنکوئی سنتی و موسیقی فلامنکو مدرن است، واقعیت این است که چنین مرزبندی نه تنها وجود ندارد بلکه بسیار اشتباه و نادرست است موسیقی فلامنکو یک روند تاریخی را میگذراند (+) و به قول معروف به روز میشود ما نمیتوانیم موسیقی استراوینسکی را از موسیقی کلاسیک منفک کنیم و بگوییم او یک روند دیگر را آغاز کرده است نه در واقع استراوینسکی و موسیقی امروز فلامنکو هر دو در ادامه روند گذشته موسیقی خود هستند و مرزبندی در این میان وجود ندارد، این تنها یک روند است که حال شما میتوانید این روند را دوست داشته باشید یا آن را نپسندید و از موسیقی دهه های قبلی بیشتر لذت ببرید و یا بر عکس، اما این نظرات و آراهای خود را نباید بسط داد و بر دیگران تحمیل کرد، تنها میتوانیم بگوییم ” به نظر من “ این روند زیبا و مناسب است و یا مناسب نیست.

پیوست ها:

جمله ایران فلامنکو:

+ آشنایی با نوازندگان برتر جوان (امیر مفاخر)

+ گفتگو با مانوئل سن لوکار

گفتگو....

فرزاد امیرانی

ابتدا لطفاً از فعالیتهای و بیوگرافی خود بفرمایید؟

من متولد سال 1342 در تهران هستم ، از نوجوانی با موسیقی آشنا شدم و مدت دو سال به یادگیری پیانوی کلاسیک نزد استاد مرحوم مهر بخش پرداختم ، بعد ها به ساز گیتار علاقمند شدم و بعد از مدتی که به موسیقی پاپ پرداختم به فراگیری گیتار کلاسیک علاقمند شدم و به یادگیری آن پرداختم و ابتدا به صورت شخصی و به مدت سه سال از آموزشهای چند تن از اساتید بهره مند شدم .

در آن زمان با تنها کاست موجود فلانکو یعنی قطعاتی از فلیپ جان لی با موسیقی فلانکو آشنا شدم و هنگامی که با متد خوان مارتین و کتاب آن آشنایی پیدا کردم آن کتاب را تا پایان بدون داشتن استاد به پایان رساندم و سپس نزد آقای شاهین علوی کتاب توکه های فلانکو اثر پاکو پینا را به پایان بردم گرچه رشته تحصیلی من ادبیات انگلیسی است و سالهای زیادی به تدریس این زبان مشغول بودم ، اکنون مشغول تالیف و ترجمه کتاب موسیقی و نشر آن و تدریس گیتار فلانکو در دانشگاه و یکی از آموزشگاههای موسیقی مشغول میباشم

چه شد که به سراغ ترجمه کتابهای موسیقی فلانکو رفتید ؟

حدود سالهای 75 تا 76 بود که به تعدادی از هنرجویان و معلمان موسیقی فلانکو برخورد میکردم که قطعات فلانکو و بخصوص قطعات کتاب روش آموزش گیتار خوان مارتین را به صورت مبتدی و در یک کلام اشتباه مینواختند ، به صورتی که مطمئن بودم آنها از راهنمایی

- های متون این کتاب بهره لازم را نبرده بودند ، از آنجایی که خودم این کتاب را به صورت خود آموز اموخته بودم ، گمان میکردم که اگر این کتاب ترجمه شود علاقمندانی که به زبان انگلیسی مسلط نیستند میتوانند با دقت و لذت بیشتری تکنیکها و قطعه های آن را فراگیرند و مهمتر از آن به اشتباهای خود پی برده و این قطعات آموزشی را صحیح اجرا کنند . از آن پس نیز با تشویق هنرجویان و اساتید فلانکو کتاب دیگری را نیز ترجمه کردم

مشکلات نشر کتابهای موسیقی و بخصوص فلانکو را چگونه ارزیابی میکنید ؟

خوشبختانه نشر کتابهای موسیقی با مشکل جدی مواجه نیست البته برای من که دارای موسسه انتشاراتی نیستم ، تنها مشکل تهیه کاغذ در بازار آزاد است ، مشکل دیگر سفارش کتاب از خارج از کشور است که اگر دارای سی دی صوتی و تصویری باشد زمان دریافت آن به سه یا چهار ماه مدت نیاز دارد ، مشکل دیگری که به نظر میرسد تعدا خریداران و در واقع مخاطبان هر کتاب است ، اگر کتاب در سطوح پیشرفته باشد طبیعتاً مخاطبان کمتری دارد و در این صورت یا باید قیمت کتاب را بالا برد و یا متضرر شد ، برای مثال راهی به سوی گیتار فلانکو از توماتیتو که در مجله شما ، به عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد از آنجایی که مخاطبان آن فقط نوازندگان پیشرفته بودند در مدت سه سال تنها 1000 جلد آن به فروش رفته است و این یعنی روزی فقط یک کتاب ، شاید نشر کتابهایی از این دست شاید به صورت زیراکس اقتصادی تر و عاقلانه تر باشد .

لطفاً اثری را که در زمینه فلانکو و گیتار تالیف و ترجمه کرده اید بفرمایید؟

ادامه در صفحه چهارم

روي خط حامل :

جشنواره اي که باطل شد!

انچه در زیر میاید در بر گیرنده آرا و نظرات گروه تحقیق و پژوهش سایت ایران فلامنکو است :

وقتی خبر لغو جشنواره موسیقی جوان به صورت تکنوازی در محافل موسیقی شایع گشت شاید کمتر کسی باور میکرد که مرکز موسیقی از این جشنواره به این سادگی صرف نظر کرده باشد جشنواره موسیقی جوان را شاید باید تنها نقطه عطف و تنها امیدگاه نوازندگان جوان ایران دانست ، در حالیکه هنوز هم به طور رسمی اعلام لغو جشنواره موسیقی جوان به صورتیکه در سال گذشته اجرا شد نگشته است و شاید بسیاری از جوانان مشغول تمرین و ممارست برای این جشنواره باشند ولی از ظواهر امر اینگونه به نظر میرسد که امسال جشنواره جوان با شکلی جدید ان هم به صورت گروه نوازی تنها در سه بخش : سنتی ، جهانی و موسیقی امروز (شما بخوانید پاپ !) برگزار میشود.

سال گذشته قرار بود در کنار برگزاری جشنواره موسیقی جوان به صورت تکنوازی جشنواره ای دیگر به صورت گروه نوازی و اهنگسازی برگزار شود و هر چند اعلام شد که در این دو جشنواره 20 و 26 گروه شرکت جسته اند و هر چند این ارقام کمی عجیب به نظر میرسید ولی چنین جشنواره ای برگزار نشد و تنها جشنواره موسیقی جوان تکنوازی برگزار گردید ، سال گذشته همچنین موارد بسیاری از رو به تحلیل رفتن جشنواره خبر میدادند در بخشهای سازهای کلاسیک همچون فلوت ، ویلن، پیانو ، ترمبون و ... سالنها خالی بودند و تعداد شرکت کنندگان بسیار نا محدود بود و بیشتر نوازندگان را نوازندگان هنرستان موسیقی تشکیل میدادند اما با تمام این ضعفها برگزاری این جشنواره از نبودش پر غنیمت تر بود

شاید شیرین ترین و پر مخاطبترین بخش جشنواره موسیقی جوان فجر بخش گیتار کلاسیک و فلامنکو ان بود ، جایی که بیشتر جوانان نوازنده این سرزمین در شرایطی که روند استقبال عمومی در جامعه از این ساز بسیار افزایش یافته بود شرکت میجستند و بسیاری میتوانستند هنر واقعی این ساز را از نزدیک مشاهده کنند و ان را بیاموزند ، هنرجویان و نوازندگان مشتاق این جشنواره را با تمام نواقص ان میستودند و تمام سال را به انتظار برگزاری این جشنواره سپری میکردند تا روز جشنواره اموخته های یک سال خود را به معرض دید علاقمندان و داوران جشنواره بگذارند ، و افسوس که دیگر امسال اینچنین نیست.

مسئله دیگر قابل بررسی این است که آیا موسیقی ایران به طور کل دارای پتانسیل برگزار جشنواره موسیقی جوان به صورت گروه نوازی میباشد؟ و آیا در کشور ما توان اجرای گروه نوازی را به صورت جدی و مانند اجراهای تکنوازی دارا هستیم یا خیر؟ ان هم میان جوانانی که اکثرا دانشجو یا دانش آموز هستند ، ضمن انکه این نکته را هم فراموش نباید کرد به علت تبلیغات کم درباره این جشنواره عده کثیری از ان اصلا آگاه نمیشوند . نکته دیگر در این میان ، بخشهای جشنواره امسال است که جای کمی سؤال دارد ، روند موسیقی در جهان امروز ، هر روز به سوی تخصصی شدن پیش میرود و سبکها و سازها نه تنها جدا میشوند بلکه دیدی کاملاً ریز بینانه تر و شاخه ، شاخه تر به جشنواره ها داده میشود ، حال در جشنواره امسال تمامی سازهای غربی و کلاسیک و سبکها (انطور که گفته شده است) در یک بخش موسیقی جهانی گنجانده شده است و بخش های دیگر به دو ژانر موسیقی یعنی پاپ و موسیقی سنتی اختصاص داده شده است که در باره موسیقی سنتی ایران هم این مسئله حائز اهمیت است که به صورت تخصصی دیگر به سازها نگاه نخواهد شد و تنها گروه نوازی در اولویت داوران قرار میگیرد و این جای تاسف بسیار دارد . گفته ها حکایت از برگزاری جشنواره به صورت تکنوازی در سال آینده دارد ، اما این مسئله با حرکت امسال برگزار کنندگان بسیار بعید به نظر میرسد .

امین رفیعی

او میگوید : متأسفانه پاسخ به این سؤال برایم مشکل است ، چون هم شخصا دوست دارم این کار را ادامه دهم و از طرفی مسائل موجود در جامعه نشر ایران باعث میشود دیگر رغبت به این کار نداشته باشم چون ثقل ، دو رویی و مشکلات بسیار دیگر نویسنده و مترجم را در بر گرفته است و در محدودیت قرار داده است . البته باید این مسئله را هم بگویم که وضعیت ناشران کتاب هم بسیار اسفناک است و شاید بسیاری از این مسائل برگردد به فرهنگ کتاب خوانی و مشکلات اقتصادی ایران .

متأسفانه برخی از ناشران که کتابهای تخصصی چاپ میکنند ، هر کاری بخواهند با نویسندگان و مترجمان انجام میدهند و در این میان نویسنده و مترجم متضرر میشود . اما با تمام این مشکلات که برای شما بر شمردم هنوز بسیار علاقمندم که کار تالیف و ترجمه کتابهای موسیقی را ادامه دهم .

فراخوان مشارکت

در صفحه آخر طی چندین ماه گذشته به مرور مبحث تکنیکهای موسیقی فلانکو پرداخته شد و این مبحث را به پایان رساندم ، برای هر چه پر بار تر شدن و مفید بودن این بخش مجله ایران فلانکو قصد دارد از خوانندگان این مجله تقاضا کند تا با پیشنهاد يك بخش جدید ، که مورد استفاده علاقمندان موسیقی فلانکو قرار گیرد ان را در صفحه ای ایجاد و در ماه آینده ان را تدارک بیند . ضمن آنکه بخشهای معرفی البومهای موسیقی فلانکو و بررسی مهمترین فالستاهای موسیقی فلانکو از بخشهای کاندید شده توسط ماهنامه ایران فلانکو برای جایگزین کردن در این صفحه میباشند . منتظر دریافت نظرها و پیشنهادهای شما از طریق نشانی پست الکترونیک سایت هستیم .

روش آموزش گیتار فلانکو اثر خوان مارتین ، روش آموزش قدم به قدم گیتار کلاسیک ، 50 قطعه طبقه بندی شده گیتار کلاسیک ، توکه های فلانکو اثر پاکو پنی ، راهی به سوی گیتار فلانکو اثر توماتیتو را ترجمه کرده ام و تمرینها و قطعات ساده تکنوازی گیتار پاپ را تالیف کردم .

شما به عنوان يك مترجم و مولف اکنون در زمینه کتابهای موسیقی فلانکو کمبود چه نوع کتابهایی را احساس میکنید ؟

کتابهایی درباره همراهی رقص و آواز که بدون شک می بایست قبل از تکنوازی یا همراه با آن آموزش داده شود در ایران ما با تکنوازی شروع میکنیم در حالی که در اسپانیا معمولا کمپاس را هنگام همراهی آواز و بخصوص رقص فرا میگیرند و این امر ممکن است سالها به طول انجامد ، ساییکاس معتقد بود اگر کسی میخواهد تکنوازی کند باید 20 سال رقص و 20 سال آواز را همراهی کند ! و حتی خود او میگفت کمی زود به تکنوازی پرداخته است گرچه این سخن اغراق آمیز به نظر میرسد اما اهمیت همراهی را از نظر این نوازنده بزرگ نشان میدهد . فیلیپ جان لی که خود نوازنده خوبی در کشور بریتانیا محسوب میشود و کنسرتهاي موفق در لندن برگزار کرده بود برای اینکه همراهی را تجربه کند به کافه های مادرید رفت و کاری برای خود دست و پا کرد

ادامه دارد.....

آشنایی با نوازندگان برتر جوان فلانکو در ایران: امین رفیعی

امین رفیعی متولد 1355 شهر تهران است از کودکی علاقه زیادی به موسیقی و ساز گیتار داشته است ، او ابتدا موسیقی را با ساز ارگ آغاز کرده است و بعد از آن نزد برادرش گیتار را به صورت خود آموز فرا گرفته است و سپس آموزش را نزد آقای دکتر سیمون ایوازیان ادامه داده است ، او همچنین تئوری موسیقی و سلفژ را نزد آقای مسعود سلطانی آموخته است .

امین رفیعی در سال 1379 در جشنواره جوان فجر حائز رتبه اول فلانکو بخش جوان شده است ، واز نوازندگان حاضر در اولین همایش موسیقی فلانکو بوده است امین رفیعی ضمننا فارغ التحصیل رشته مهندسی صنایع نیز از فعالتهای دیگر او در زمینه موسیقی فلانکو میتوان به ترجمه و تالیف کتاب متد آموزشی خوان د گرکو اشاره کرد ، درباره این فعالیتش از او میپرسم چگونه شد که این کتاب را در زمینه آموزش موسیقی فلانکو برای ترجمه برگزیده است او میگوید : در هنگام آموزش نزد آقای دکتر ایوازیان با این کتاب آشنا شدم و این کتاب را بسیار مفید برای هنرجویان مبتدی فلانکو دیدم و آن را برای ترجمه انتخاب کردم ولی چون سی دی یا کاست صوتی آموزشی را دارا نبود تصمیم گرفتم با اجرای خود این نقیصه را جبران کنم ، این کتاب ، کتاب خوب و مفیدی است و و از بسیاری از کتابهای موجود در بازار برای مبتدی مفید تر است . از او نظرش را درباره جشنواره فلانکوئی جوان فجر جویا میشوم او میگوید: جشنواره جوان فرصت بسیار خوبی برای نوجوانان و جوانان نوازنده است که استعدادهای خود را به نمایش بگذارند و ایجاد یک رقابت سالم میکند بخصوص برای آنهایی که میتوانند هر سال از سال گذشته بهتر ظاهر شوند و این خودش باعث رشد بسیار بالایی میان نوازندگان است البته با خبر شدم که قرار است این جشنواره حذف شود که جای بسیار تاسف دارد ، به نظرم این تنها کار مفید برای کمک به نوازندگان بود که آن هم کنسل شد ، البته باید این نکته را یادآوری کنم که بعد از اتمام هر جشنواره دیگر هیچ حمایتی از نوازندگان صورت نمیگرفت .

از او میپرسم نظرش درباره موسیقی فلانکو در ایران چیست ؟ او در پاسخ میگوید: موسیقی فلانکو در ایران مظلوم است و بسیاری سبکهای دیگر را به نام این سبک معرفی میکنند اما به نظرم فلانکو در ایران رو به رشد است ولی این روند کافی نیست و احتیاج به گسترش و فرایندی علمی تر دارد و این فرایند باید با ارتباط با اساتید موسیقی فلانکو در جهان و برگزاری کنسرتهاي آنان و معرفی هر چه بیشتر موسیقی فلانکو به مردم و هنرجویان گسترش بیشتری یابد، متأسفانه هنوز بسیاری هر اجرای تند و سریع روی گیتار را فلانکو میندازند و مسئله دیگر این است که فلانکو هنری است که نیاز به استعداد فراوان شخصی دارد و احتیاج به هنرجویی که زندگی را برای این هنر بگذارد ،



اما اکثر خانواده ها دوست دارند که فرزندان شان سریع موسیقی فلانکو را بیاموزند ، مسئله دیگر در فلانکو ایران این است که در ایران خبری از رقص و آواز موسیقی فلانکو نیست در صورتی که در بسیاری از کشورها که موسیقی ملی آنها فلانکو نیست هر ساله از خوانندگان و هنرمندان فلانکو در رشته های مختلف دعوت میشود و برنامه اجرا میکنند و حتی دارای کلوب های فلانکو هستند اما در ایران نبود این دو بخش موسیقی فلانکو یک ضعف بزرگ محسوب میشود..

از او سؤال میکنم آیا باز هم به سراغ نشر کتاب خواهد رفت ؟

گفتگو روزنامه‌سفر با ال دی میولا

ال دی میولا ، رهبر یک گروه موسیقی مدرن است او پدیدآورنده سبکی نو و پیشتاز در موسیقی معاصر به شمار می آید سبک ویژه او سرشار از ریتمهای بسیار سریع و شورانگیز است.

از دیگر جذابیت های هنری میولا ، وقار او در اجرای تکنیک های پیچیده سولو و آسودگی آشکار او هنگام نواختن تنها با سرعتی تصورناشدنی است.

میولا ، متولد 22 ژوئیه 1954 نیوجرسی است.

گیتاریست های مورد علاقه او تال فر ، کاوبورل ، دوواتسون و جورج بنسون بوده اند. میولا با تشکیل گروه «بازگشت به ابدیت» در 19 سالگی به دنیای موسیقی حرفه ای پانهاد. موسیقی این گروه ، پیچیده و از لحاظ فنی دشوار بود و در خود آنشاهی نهان داشت که هواداران موسیقی سنگین گیتار را به آسانی به سوی خود فرامی خواند و گویی سایر نوازندگان را به مبارزه می طلبید. نخستین آلبوم انفرادی او سرزمین آفتاب نیمه شب پر فروش ترین آلبوم شرکت کلمبیا و باعث افزایش اعتماد به نفس او در اجرای موسیقی های تازه شد. مجموعه های «کولی مغرور» ، «کازینو» ، «هتل اسپنیدو» ، «عشق» ، افتخار و آتش» ، ... از آثار به یاد ماندنی میولا است.

او مدعی است آهنگهایی که تاکنون همراه گروههای هنری ضبط کرده قوی ترین آثار گیتار الکتریک بوده است.

از ال دی میولا در ایران 2 آلبوم که دربردارنده برگزیده هایی از آثار اوست ، به چاپ رسیده است.

گفتگوی روزنامه «السفر» را با ال دی میولا با هم میخوانیم:

چقدر برای ساز زدن وقت می گذارید؟ یعنی به طور مشخص در هر روز چند ساعت خودتان را ملزم می دانید تا تمرین مداوم داشته باشید؟

ال دی میولا : وقتی مسافرت باشم ، وقت کافی برای نواختن پیدا نمی کنم ؛ ولی مدام دنبال کمترین فرصتی هستم تا با عزیزم تنها باشم و بنوازم ؛ ولی به طور معمولی ، زیاد تمرین می کنم و این تمرین کردن من هم به صورت پراکنده صورت می گیرد. در عین حال هیچ دوست ندارم وقتیایی را که ساز می زدم ، حساب کنم.

به نظر شما تکنیک یعنی چه؟

تکنیک به گمان من راهی است برای درک گوهر موسیقی چیزی که من را مدام تحریک و تشویق می کند ، آزادی است که در موسیقی نهفته است و زمان نواختن هیچ مانعی در برابر خودم احساس نمی کنم ؛ البته تکنیک در من ناخودآگاه اعمال می شود و آنچه انگشتان من می نوازند ، به شکل آگاهانه نیست ؛ بلکه در طول زمان این موضوع عقلانی ، مکانیکی شده است.

نواختن ، مطمئن ترین راه ارتباط با بی نهایت است و به همین دلیل از این شکل بیان استفاده می کنم وقتی من می نوازم ، زمان بسیار تند می گذرد.

ال دی میولا چقدر به موسیقی گوش می دهد؟

من عاشق موسیقی نواحی هستم و درهم آمیختن موسیقی عربی با موسیقی لاتین ، به من لذت خاصی می دهد؛ چرا که با آن می توان میان مردم ارتباط برقرار کرد. به طور مشخص خیلی دوست دارم به موسیقی فولکوریک لبنان گوش بدهم و عاشق این هستم که با موسیقیدانان لبنانی کار بکنم. به طور کلی با تمام افکار سنتی دگماتیک که حاضر به پذیرش هیچ گونه تغییر و نوآوری نیستند، مخالفم و از این قالبها بیزارم هنرمند ، نیاز مبرم به آزادی دارد تا نوآوری کند بزودی تارهای گیتارم در لبنان به صدا درخواهد آمد.

نظران درباره عصر گسترش موسیقی راک چیست؟ آیا پروژه خاصی برای رویارویی با این موسیقی جهانی دارید؟

نمی دانم نه ، پروژه مشخصی ندارم کار من درهم آمیختن موسیقی لاتینی ، جاز و موسیقی خاورمیانه ای در عین حال از ریشه های تانگوی آرژانتینی و موسیقی کلاسیک بوده است.

اینها منابع الهام بخش من بوده اند وقتی هم از موسیقی کلاسیک حرف می زنم ، منظور من آن بخش خشک و محدودش نیست و از نظرات آنتونیو کارلوس جویم ، مولف برزیلی در این باره متعجبم.

از تجربه همکاری با پاکودلوسیا ، گیتار نواز جهانی برابمان بگوئید.

این همکاری یک چیزی مثل اسطوره بود من از جوانی چنین آرزویی داشتم و دلوسیا را در کار گیتار منحصر به فرد می دیدم. بعد هم این همکاری ما یک استثنا بود. با این کار هم اسمم بزرگ شد و هم این که شناسنامه کاری من اضافه شد حق لوسیا آن قدر که باید ، داده نشده است.

با لیوبرور ، گیتارنواز کوبایی هم دیدار داشتید؟

برور ، دوست مهربان من است نواختن او را خیلی دوست دارم ؛ ولی تا به حال با هم هیچ کار مشترکی انجام نداده ایم ؛ اما چیزی که می خواستم درباره دلوسیا بگویم ، این است که او توانسته فلانکوی اسپانیولی را به جاز امروزی نزدیک کند و از مرزهای مشخص رد شود. او از سوی محافظه کاران تندرو که او را نمی فهمند، خیلی مورد انتقاد قرار گرفته است. ما 2 نفر، قهرمان پیشبرد موسیقی هستیم

نظران درباره برخورد مردم لبنان با شما، بویژه با موسیقی تان چطور بود؟

واقعا تعجب کردم که چه خوب تشویق کردند و از من و گروه موسیقی ام تقدیر به عمل آوردند. استقبالشان خیلی گرم بود. با این که فرهنگ ما با فرهنگ ، زبان ، تمدن ، موسیقی و ایدئولوژی شما متفاوت است ؛ اما احساس کردم که چقدر دوستان دارم و اینجا تنها نیستم.